

## الرابع: في أحكامه

### چهارم: احكام ايلاء

وهي مسائل:

که شامل چند مسئله است:

الأولى: لا ينعقد الإيلاء حتى يكون التحريم مطلقاً، أو مقيداً بالدوام، أو مقروناً بمدة تزيد عن أربعة أشهر، أو مضافاً إلى فعل لا يحصل إلا بعد انقضاء مدة التريص يقيناً أو غالباً، كقوله - وهو بالعراق -: حتى أمضي إلى بلد الترك وأعود، أو يقول: ما بقيت. ولا يقع لأربعة أشهر فما دون، ولا معلقاً بفعل ينقضي قبل هذه المدة، يقيناً أو غالباً أو محتملاً على السواء.

مسئله اول: ايلاء تنها در صورتی واقع می شود که زن را بدون ذکر زمان یا به طور دائم و یا برای مدتی بیش از چهار ماه بر خود حرام کند، و یا آن را به کاری که معمولاً یا حتماً بیش از چهار ماه طول می کشد، مقید نماید؛ مانند اینکه کسی که در عراق است بگوید: (تا زمانی که به سرزمین ترک بروم و برگردم) و یا بگوید: (تا زمانی که زنده ام)... اگر مدت زمانی که بیان می کند چهار ماه یا کمتر از آن باشد، ایلاء واقع نمی شود و همچنین است اگر مقید به کاری شده باشد که یقیناً یا غالباً یا احتمالاً (به احتمال ۵۰٪) قبل از این مدت تمام می شود.

ولو قال: والله لا وطأتك حتى أدخل هذه الدار لم يكن إيلاء؛ لأنه يمكنه التخلص من التكفير مع الوطء بالدخول، وهو مناف للإيلاء.

اگر بگوید: به خدا قسم تا وارد خانه نشوم با تو نزدیکی نمی کنم، ایلاء محسوب نمی شود؛ زیرا می تواند با ورود به خانه خود را از کفاره دادن برای نزدیکی خلاص کند، و این با ایلاء منافات دارد.

الثانية: مدة التريص في الحرة والأمة أربعة أشهر، سواء كان الزوج حراً أو عبداً.

مسئله دوم: مدت انتظار<sup>(۱)</sup> در زن آزاد یا کنیز چهار ماه است؛ چه مرد آزاد باشد یا غلام.

والمدة حق للزوج، وليس للزوجة مطالبته فيها بالفئة، فإذا انقضت لم تطلق بانقضاء المدة، ولم يكن للحكام طلاقها. وإن رافعته فهو مخير بين الطلاق والفئة، فإن طلق فقد خرج من حقها، وتقع الطلقة

1- حداکثر مدتی که جایز است مرد نزدیکی را ترک کند. (مترجم)

رجعية، وكذا إن فاء. وإن امتنع من الأمرين حبس وضيق عليه حتى يفئ أو يطلق. ولا يجبره الحاكم على أحدهما تعييناً.

مدت حق مرد است و زن حق ندارد از او طلب رجوع کند و هنگامی که مدت سپری شد با اتمام مدت، آن زن طلاق داده محسوب نمی‌شود، و حاکم نمی‌تواند او را طلاق دهد، و اگر زن امر را به حاکم رجوع دهد، مرد بین انتخاب طلاق یا بازگشت حق انتخاب دارد؛ پس اگر مرد طلاق بدهد زن دیگر حقی ندارد و طلاق رجعی واقع می‌شود، و به همین ترتیب اگر رجوع کند (زن رجوع کند). اگر مرد هیچ کدام را انتخاب نکند حبس می‌شود و بر او سخت گرفته می‌شود تا اینکه بین بازگشت و طلاق یکی را انتخاب کند، و حاکم او را بر انتخاب یکی از دو مورد مجبور نمی‌کند.

ولو ألى مدة معينة ودافع بعد المرافعة حتى انقضت المدة سقط حكم الإيلاء، ولم يلزمه الكفارة مع الوطء. ولو أسقطت حقها من المطالبة لم تسقط المطالبة؛ لأنه حق متجدد، فيسقط بالعفو ما كان لازماً لا ما يتجدد.

اگر مدت مشخصی را ایلاء کند و بعد از اینکه زن به حاکم رجوع کرد باز هم مقاومت کرد تا مدت به پایان برسد، حکم ایلاء ساقط می‌شود و لازم نیست برای نزدیکی کردن کفاره بدهد.<sup>(2)</sup>  
اگر زن حق خود از درخواست بازگشت مرد را ساقط کند اصل مطالبه از بین نمی‌رود (یعنی هر زمان که بخواهد می‌تواند حق خود را طلب کند) چون آن حق استمرار دارد، و با بخشیدن، آنچه گذشته است ساقط می‌شود نه آن چه به وجود می‌آید.

فروع:

چند نکته:

الأول: لو اختلفا في انقضاء المدة، فالقول قول من يدعي بقاءها. وكذا لو اختلفا في زمان إيقاع الإيلاء، فالقول قول من يدعي تأخره.

۱- اگر در به پایان رسیدن مدت به اختلاف خوردند، گفته کسی که باقی بودن آن را ادعا کرده است پذیرفته می‌شود. همچنین اگر در زمان وقوع ایلاء اختلاف داشتند، گفته کسی که ادعای تأخیر<sup>(3)</sup> آن را دارد پذیرفته می‌شود.

2- مثلاً اگر قسم بخورد که به مدت پنج ماه با همسرش نزدیکی نکند و بعد از اتمام چهار ماه زن به حاکم رجوع کند و حاکم به او حق انتخاب بین بازگشت (با پرداخت کفاره) و طلاق را بدهد و او به مدت یک ماه مقاومت کند تا مدت به پایان برسد بدون پرداخت کفاره حکم ایلاء باطل می‌شود و بازمی‌گردد؛ گرچه در این مدت گناه کرده است. (مترجم)

3- مثلاً شوهر می‌گوید یک ماه قبل ایلاء انجام شده است و زن می‌گوید هفته قبل، که در این صورت ادعای زن پذیرفته می‌شود. (مترجم)

الثاني: لو انقضت مدة التربص لها المطالبة وإن كان هناك ما يمنع من الوطء كالحيض والمرض. ولو تجددت أعضاها في أثناء المدة لا تنقطع الاستدامة، كما لا تنقطع المدة بأعذار الرجل ابتداءً، ولا اعتراضاً، ولا تمنع من المرافعة انتهاءً.

٢- اگر مدت انتظار به پایان برسد زن حق دارد بازگشت مرد را مطالبه کند، گرچه مانعی برای نزدیکی مانند حیض یا بیماری وجود داشته باشد، و اگر در بین مدت برای زن عذری به وجود آید باعث قطع شدن مدت نمی شود،<sup>(4)</sup> همانطور که مدت با عذر داشتن مرد قطع نمی شود، چه این عذر از ابتدا در مرد بوده و یا در طی آن چهار ماه به وجود آمده باشد، و همچنین عذری که در پایان این مدت به وجود آمده باشد مانع رجوع زن به حاکم نمی گردد.

الثالث: إذا جن بعد ضرب المدة احتسبت المدة عليه وإن كان مجنوناً، فإن انقضت المدة والجنون باق تربص به حتى يفيق.

٣- اگر بعد از شروع مدت جنون بر مرد عارض شود، مدت برای او محاسبه می شود، هرچند که دیوانه باشد، و اگر مدت به پایان رسید و جنون باقی بود تا زمانی که بهبود یابد مهلت دارد.

الرابع: إذا انقضت المدة وهو محرم ألزم بفئة المعذور، وكذا لو اتفق صائماً. ولو واقع أتى بالفئة وإن أثم. وكذا في كل وطء محرم، كالوطء في الحيض، والصيام الواجب.

٤- اگر مدت در حالی به پایان برسد که مرد محرم باشد و یا روزه داشته باشد مانند کسانی که عذر دارند رجوع کند، و اگر نزدیکی کند رجوع محقق شده، هرچند گناه کرده است. در تمام نزدیکی های حرام مانند حیض و روزه واجب. نیز حکم به همین صورت است.

الخامس: إذا ظاهر، ثم ألى صح الأمران، وتوقف بعد انقضاء مدة الظهار. فإن طلق فقد وفى الحق، وإن أبى ألزم التكفير والوطء؛ لأنه أسقط حقه من التربص بالظهار، وكان عليه كفارة الإيلاء.

٥- اگر بعد از ظهار کردن، ایلاء هم نماید، هر دو واقع می شود، و مرد بعد از اتمام مدت ظهار، توقف می کند، اگر طلاق داد که چیزی بر گردنش نیست، و اگر طلاق ندهد باید کفاره بدهد و نزدیکی کند؛ زیرا با ظهار کردن حق خود از انتظار (برای ایلاء) را از بین برده است و کفاره ایلاء بر او واجب می شود.

السادس: إذا ألى ثم ارتد تحتسب عليه مدة الردة.

٦- اگر بعد از ایلاء کردن مرتد شود مدت ارتدادش هم جزو مدت انتظار حساب می شود.

---

4- مثلاً در مدت چهار ماه چند وقت برای زن عذر شرعی پیش آمده است و مجموعاً بیست روز به طول انجامیده، که در این حالت این مدت که امکان بهره بردن مرد وجود نداشته است باعث افزایش مدت انتظار مثلاً به چهار ماه و بیست روز نمی شود. (مترجم)

المسألة الثالثة: إذا وطأ في مدة التربص أو بعد المدة لزمته الكفارة.

مسئله سوم: اگر در مدت انتظار یا بعد از آن نزدیکی کند باید کفاره بپردازد.

الرابعة: إذا وطأ المولي ساهياً ، أو مجنوناً ، أو اشتبهت بغيرها من حالئه، بطل حكم الايلاء، ولا تجب الكفارة.

مسئله چهارم: اگر مرد از روی سهو یا جنون یا اشتباه گرفتن زنش با دیگر زنانش با او نزدیکی کند، حکم ایلاء باطل می شود و کفاره واجب نیست.

الخامسة: إذا ادعى الإصابة فأنكرت، فالقول قوله مع يمينه.

مسئله پنجم: اگر مرد ادعا کند که نزدیکی صورت گرفته است و زن انکار کند، گفته مرد همراه با قسم پذیرفته می شود.

السادسة: المدة المضروبة من حين الايلاء .

مسئله ششم: مدتی که حاکم قرار می دهد از زمان وقوع ایلاء می باشد.

السابعة: فنة القادر غيبوية الحشفة في القبل، وفنة العاجز إظهار العزم على الوطء مع القدرة. ولو طلب الإمهال مع القدرة أمهل ما جرت العادة به، كتوقع خفة المأكول أو الأكل إن كان جائعاً، أو الراحة إن كان متعباً.

مسئله هفتم: رجوع کسی که توانایی نزدیکی را دارد با نزدیکی از جلو صورت می پذیرد، و کسی که به دلیلی نمی تواند نزدیکی کند<sup>(5)</sup> لازم است نشان دهد که اگر امکانش بود نزدیکی می کرد. اگر مرد با وجود توانایی (حرام نبودن نزدیکی) درخواست مهلت کند به اندازه ای که معمول است به او مهلت داده می شود، مانند سبک شدن معده اگر خیلی خورده است و یا غذا خوردن اگر گرسنه باشد، و یا استراحت کردن در صورت خستگی.

الثامنة: إذا ألى من الرجعية صح، ويحتسب زمان العدة من المدة. وكذا لو طلقها رجعياً بعد الايلاء وراجع.

مسئله هشتم: اگر با زنی که طلاق رجعی داده است ایلاء کند صحیح است و زمان عده جزو مدت انتظار محسوب می شود. همچنین اگر او را بعد از ایلاء طلاق رجعی دهد سپس رجوع کند صحیح است.

5- مانند حیض بودن زن یا بیماری مرد ... (مترجم)

التاسعة: لا تتكرر الكفارة بتكرر اليمين، سواء قصد التأكيد أو لم يقصد، أو قصد بالثانية غير ما قصد بالأولى إذا كان الزمان واحداً.

مسئله نهم: با تکرار قسم در یک زمان واحد کفاره تکرار نمی شود، چه قصد تاکید داشته باشد یا نداشته باشد، و یا با قسم دوم ایلاء دیگری را قصد کرده باشد.

والحمد لله رب العالمين